

زنان

زنان در مواجهه با طفره‌های موجه

بررسی ابعاد مواجهه با مسائل زنان

زهرا داوورپناه

عضو هیأت علمی پژوهشکده زن و خانواده



یادداشت

وضعیت زنان در ایران متأثر از مؤلفه‌های سنت، عرف‌های متنوع قومیتی، مدرنیته، دین، شرایط عینی و تأثیرات خارجی بوده و هست. در کشاکش این عناصر و با اتحاد و ائتلاف‌های موقت، گاهی شرایط به یک‌سو تمایل یافته و گاه به سوی دیگر و در بسیاری از موارد زن ایرانی معمولی حامل این تنش‌ها در زندگی روزمره خود نیز هست. هنگامی که این مسائل و تنش‌ها به حاکمیت عرضه می‌شوند، چه اتفاقی می‌افتد؟

در طول سالیان پس از انقلاب اسلامی، برای حل بسیاری از مسائل زنان اقدامات درخشانی انجام شد که بسیاری از آنها در اعداد و آمار منابع ناهمدل یا بی طرف نیز تصدیق شده‌اند. جهش وضعیت تحصیلی و شرایط بهداشتی زنان در این چهل ساله تنها گوشه‌ای از بسیار است. ولی همین بالندگی در تنش‌های روزمره و مسائل کمتر عینی مشاهده نمی‌شود. به بیان دیگر در برخی از موارد پیچیده‌تر که بیشتر به تنش و مسأله چندبعدی می‌ماند تا سؤال یا نیاز عینی و مادی، به نظر می‌رسد شاهد نوعی صرف‌نظر کردن و جابجایی دادن از تعیین تکلیف با استناد به اولویت‌های دیگر هستیم. این وضعیت در بسیاری مواقع با عرضه امری نو به حاکمیت آغاز می‌شود که نیازمند قاعده‌ای جدید است. طبیعتاً پرسش‌های نو نیاز به تأملات عمیق، بررسی دقیق ارزش‌ها و مصالح از یک‌سو و شناخت مردم از سوی دیگر، اجماع‌سازی و خلاصه‌تلاش فراوان برای رسیدن به پاسخی درخور زمانه و زمینه جمهوری اسلامی دارد. ولی بسیاری از اوقات حاکمیت با استثنایی تلقی کردن شرایط خود و در مقابل، عدم اضطراب موضوعات حوزه زنان از ایجاد قاعده طفره می‌رود تا به امور مهم‌تر بپردازد. همیشه مسئولان و متولیان، درگیر اقتضات فوری هستند و گویی می‌کوشند صرفاً زمان به شکلی «کج‌دار و مریز» تا رسیدن زمان مناسب بگذرد. مثال‌های زیادی در این زمینه می‌توان یافت: حاکمیت



هر چند در خصوص مسأله زنان حاکمیت عاقدانه از حرکت خودداری می‌کند تا ثبات نسبی شرایط را حفظ کند، نیروهای دیگر دائماً تعادل شکننده و غیرمفید را در هم می‌شکنند. هم‌زمان با صبر و سکوت نیروهای همدل با ارزش‌ها، گروه‌های اقلیت فمینیست و سنتی غیرانقلابی در دو سر طیف می‌کوشند وضعیت استثنای را به سود خود مصادره و قاعده‌مند کنند، مانند اتفاقی که در رابطه با گشت ارشاد رخ داد

مسأله زنان

مسأله زنان

مسأله زنان

مسأله زنان

پاک کردن صورت مسأله

به نظر می‌رسد در بسیاری مواقع در خصوص حل مسائل زنان شاهد نوعی صرف نظر کردن و جابجایی دادن از تعیین تکلیف با استناد به اولویت‌های دیگر هستیم.

پاسخ‌های موقتی و اقتضایی و بی‌منا و امثالهم مواجه هستیم و دعوت از زنان که فعلاً به مسائل همه و مسائل مهم‌تر بپردازند. این وضعیت استثنای در «نسبت برخی زنان با حاکمیت» نیز استیلا دارد. با قدری مسامحه می‌توان گفت در خصوص وضعیت مطلوب زنان، دو گروه اقلیت با مطالبات معین وجود دارند: گروه‌هایی با تمایلات فمینیستی و در مقابل گروه‌های به شدت سنتی. صرف نظر از این دو گروه در دوسوی طیف -که البته درون خود، تمایزاتی دارند- غالب رویکردهای جنسیتی و بیشتر زنان ایرانی وضعیتی بینابین دارند. دختران زیادی ادامه تحصیل می‌دهند، در عین حال ممکن است به ازدواج تاحدی برنامه‌ریزی شده تن بدهند، در عین اشتغال تمام وقت، بچه‌دار می‌شوند. با برخی سنت‌ها مقابله و به‌جای حل و می‌کنند و... این زنان معمولی همواره با حدی از احساس عدم استقرار، سستی هنجارهای گذشته و هنوز نیامدن آینده رویه‌رو هستند. ایشان به اقتضای شرایط عینی خود، هر مسأله را به گونه‌ای حل و فصل می‌کنند و احساس می‌کنند در وضعیتی موقت و استثنایی قرار دارند که احتمالاً در آینده به ثبات خواهد رسید. ولی این رویکرد، اگر برای فرد مناسب باشد-که غالباً ناگزیر است و نه منتخب- قطعاً مناسب مسئولان و حکمرانان نیست.

یکی از این گروه‌های میانگین و معمولی، زنانی هستند که به لحاظ نظری، تحصیل کرده و خودآگاه و پیشرو هستند، از حیث سیاسی، انقلابی و وفادار به آرمان‌های جمهوری اسلامی و کاملاً معتقد به ارزش‌های اسلامی‌اند و اتفاقاً این گروه با دریافت رسمی از خطرات بیرونی و اولویت‌های درونی برای جمهوری اسلامی، همدل و همراه هستند؛ ولی در عین حال به حکم جنسیت زنانه، مسائل واقعی جامعه زنان را درک و زندگی می‌کنند. این زنان مسلمان و انقلابی معمولاً پیش از بحرانی شدن مسائل، آنها را ادراک و حتی مباحثه می‌کنند؛ اما در عرضه مسائل به حاکمیت یا بیان آنها تردید دارند و منتظر زمان مناسب‌اند. آنها نگران‌اند که مطالبه و بیان این مسائل منجر به دشواری بیشتر برای جمهوری اسلامی شود. آنها نمی‌خواهند به اضطراب در جامعه‌ای دامن بزنند که به حد کافی مشکل دارد. از سوی دیگر آنها نمی‌دانند تا کی می‌توان از مطالبات جنسیتی صرف نظر کرد و این شرایط استثنایی کی تمام می‌شود؟ حتی اگر مسأله، بسیار مهم باشد معمولاً عرضه‌ای برای فعالیت ایشان وجود ندارد. ولی چون دریافت‌های این زنان واقعی است، به سرعت به صورتی جدی‌تر و بدخیم‌تر سربرمی‌آورند و توسط نیروهایی مطالبه می‌شود که ضرورتی به صبر نمی‌بینند، تعیین تکلیف را مطالبه می‌کنند و در واقع



هدف اصلی پژوهش‌های کتاب سنجش کارآمدی با توصیف و بیان دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان است

زنان و بخش آخر در رابطه با عملکرد و دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در حوزه زنان است. کتاب و نتیجه تمامی پژوهش‌های موجود در آن بر این باورند که زن از منظر انسان‌شناسی موجودی مکلف و مسئول به تمامی تکالیف انسانی است و وظیفه زنان و جایگاه آنها به قدری مهم است که در کتاب نیز به دیدگاه امام خمینی (ره) اشاره می‌کند که می‌فرماید: «آنجا که زن، نقش‌های خود را از دست می‌دهد، هم خود را تباہ ساخته و هم خانواده و اجتماع را.»

شاخص‌های فرهنگی، سیاسی، علمی، اجتماعی و... با روش تحلیلی-توصیفی انجام شده و دارای چهار بخش است: بخش کلیات شامل اصول حاکم بر مدیریت نظام، عوامل کارآمدی و روش سنجش نظام در حوزه زنان و... است. بخش دوم از جایگاه زنان در نظام جمهوری اسلامی بخصوص در قانون اساسی صحبت می‌کند. همچنین کارآمدی با توصیف و بیان دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی در حوزه برنامه‌های توسعه کشور در حوزه

معرفی کتاب درآمدی بر کارآمدی نظام جمهوری اسلامی در قلمرو زنان

درآمدی بر کارآمدی

ستاره امیدبخش

خبرنگار



معرفی

مسأله حضور زنان در جامعه مسأله‌ای جدی است که امروزه دغدغه مهمی برای دختران و زنان به حساب می‌آید و همان‌طور که می‌دانیم یکی از ارکان پیشرفت، مربوط به حضور زنان در جامعه است و این موضوع از دید رهبر نظام جمهوری اسلامی نیز



حل هر مسئله اجتماعی به تلاش لایه میانی جامعه و در واقع نخبگان و فعالان اجتماعی و همت بخش حاکمیتی احتیاج دارد. در حوزه زنان و خانواده با وجود مشکلات اما تا حدودی خیال ما از بابت مولفه اول راحت است اما بخش حاکمیتی...